

نمونه‌ای از درس کلاس کودکان

خلوص

الف- خواندن و حفظ کردن مناجات‌ها

کلاس را با خواندن یک مناجات که از بر دارید شروع نمایید. سپس از تعدادی از کودکان بخواهید مناجات‌هایی بخوانند. در این درس، اطفال باید حفظ مناجاتی را که در درس ۴ شروع کرده‌اند، به اتمام برسانند. بنابراین شما باید آن مناجات را با کودکان مرور نموده و مطمئن شوید که به خوبی آن را می‌خوانند.

ب- سرودها (شامل مروری بر سرودهای قبلی)

از بین سرودهای زیادی که می‌دانید یکی دو سرود مناسب برای کلاس امروز انتخاب کنید، و آنها را با کودکان بخوانید. اگر سرودهای انتخاب شده به نحوی به موضوع درس مربوط باشد، در تأکید آنچه که کودکان می‌آموزند کمک خواهد نمود.

پ- حفظ کردن بیانات

در ارائه بیان امروز به کودکان، می‌توانید از نظرات زیر استفاده نمایید: وقتی کلمات و اعمال ما عین همان چیزی را منعکس می‌کنند که در قلبمان است، ما خصوصیت خلوص را ظاهر می‌سازیم. خلوص الهام بخش ما است تا در روابطمان با دیگران صادق و وفادار باشیم. برای مثال، وقتی می‌گوییم برای کاری که انجام داده‌ایم متأسفیم، در قلبمان می‌دانیم که تمام تلاش خود را می‌کنیم تا دیگر آن اشتباه را تکرار نکنیم. از طریق خلوص ما است که دیگران پاکی قلب ما را می‌بینند و به ما اعتماد می‌کنند. برای اینکه اهمیت این خصوصیت را به خاطر بسپاریم، این بیان حضرت عبداله‌اء را از بر می‌کنیم: "باید در نهایت صداقت و امانت بر خلوص خویش باقی باشیم"

باقی بودن ۱. من تصمیم گرفته‌ام هر روز در کارهای خانه به پدر و مادرم کمک کنم و همیشه بر این تصمیم باقی خواهم ماند. ۲. ماهی برای آنکه زنده بماند لازم است در آب باشد. یک ماهی باید همیشه در آب باقی بماند. خلوص ۱. همکلاسی‌های لئو بیشتر اوقات به جای درس خواندن بازی می‌کنند. لئو نگران است که آن‌ها در مدرسه نمرات خوبی نگیرند، بنابراین پیشنهاد می‌دهد که با هم در س‌ها را مطالعه کنند و سعی می‌کند به راه‌هایی فکر کند که بتوانند در یادگیری به یکدیگر کمک کنند. نگرانی لئو برای همکلاسی‌هایش خلوص او را نشان می‌دهد. ۲. رز به مادرش قول داد که هر روز تکالیفش را انجام دهد. وقتی والدینش در منزل نیستند، رز با پشتکار روی تکالیف منزلش کار می‌کند. رز در قولی که داد، خلوص داشت.

ت- داستان

وقتی داستان امروز را به کودکان معرفی می‌کنید، شاید دوست داشته باشید توضیح دهید که گاهی اوقات اگر به داستانی گوش کنیم که نشان می‌دهد در نبودن یک صفت چه می‌شود، آن وقت بهتر می‌توانیم بفهمیم که داشتن آن صفت به چه معناست.

درخت بزرگی سال‌های بسیار پشت خانه‌ای بود که در آن زن و شوهری با چندین بچه زندگی می‌کردند. همین طور که درخت رشد می‌کرد، شاخه‌هایش بلندتر و گسترده‌تر می‌شدند و درخت در پشت خانه آن خانواده سایه می‌انداخت. یک صبح زمستانی، پدر داشت از زیر درخت عبور می‌کرد که به یکی از همسایگان برخورد. به اختصار راجع به رفت و آمدها به روستا صحبت کردند. بعد از مدتی همسایه که متوجه درخت بزرگ شده بود، به پدر گفت: "می‌دانی، واقعا وقت آن رسیده که این درخت بزرگ را قطع کنی. خیلی گسترده و نامنظم شده. اگر یکی از شاخه‌هایش کنده شود و بر پشت بام خانه بیفتد چه؟ یا حتی بدتر، اگر به یکی از بچه‌هایت برخورد که در سایه‌اش مشغول بازی هستند چه؟" وقتی از یکدیگر جدا شدند، مرد به نصیحت همسایه فکر کرد. این درخت از قبل از آنکه بتواند به یاد بیاورد وجود داشت و هیچ وقت هم ضرری به کسی نرسانده بود. در تابستان سایه خوبی داشت و در زمستان خانه را از گزند بادهای تند زمستانی حفظ می‌کرد. به نظر تنومند و قوی می‌آمد. مرد با خود گفت: "با این حال شاید همسایه بی دلیل هم نگفته باشد، ظاهر گاهی می‌تواند فریبنده باشد. اگر درخت به این اندازه که به نظر می‌رسد قوی نباشد چه؟" و تصمیم گرفت که درخت را قطع کند.

کار سختی بود، چون درخت واقعا خیلی بزرگ بود و شاخه‌های بسیار زیادی داشت که برخی بسیار هم بلند بودند. به محض اینکه کار مرد تمام شد، همسایه با دو پسرش و یک گاری بازگشت. مرد همسایه در حالی که به توده‌های چوب نگاه می‌کرد گفت: "می‌بینم که تصمیم گرفته‌ای درخت را قطع کنی. فکر می‌کنم لازم باشد کسی این توده‌های چوب را از اینجا ببرد. شاید ما بتوانیم کمکت کنیم. من گاری و دو پسر را با خود آورده‌ام و خوشحال می‌شویم که تمام این چوب‌ها را از حیاط شما ببریم." بدون اینکه منتظر شنیدن جواب بشوند، پسرها شروع به بار زدن چوب‌ها در گاری کردند. در حالی که آنها دور می‌شدند، مرد روی کنده درختی که سال‌ها از خانه‌اش حمایت کرده بود، نشست. در این زمان بود که متوجه شد همسایه‌اش اصلا نگران امنیت او و خانواده‌اش نبوده است، بلکه نگران هیزم برای سوزاندن در زمستان بوده تا گرم بماند. آهی کشید و با خودش گفت: "واقعا ظاهر گاهی می‌تواند فریبنده باشد."

ث- بازی: "سرد یا گرم"

برای شروع از یکی از کودکان بخواهید اتاق را ترک کند یا دورتر از محلی بایستد که کلاس در آن برگزار می‌شود. بعد از اینکه سایرین شئی کوچکی را پنهان کردند، مثلا یک مداد یا مداد شمعی، کودک را صدا کنید و از او بخواهید شئی مورد نظر را پیدا کند. سایرین برای کمک به پیدا کردن شئی، هر قدر کودک به شئی نزدیک‌تر می‌شود بلندتر و بلندتر دست می‌زنند. اگر کودک از جای شئی پنهان دور شود، صدای دست‌ها آرام‌تر و آرا م‌تر می‌گردد. به جای دست زدن، کودکان می‌توانند با نزدیک شدن طفل به شئی پنهان شده بگویند "گرم"، "گرم تر" و "داغ". اگر طفل از شئی دور شود سایرین می‌توانند بگویند: "سرد"، "سردتر"، "یخ". کودکان باید مواظب باشند دوست‌شان را که در جستجوی شئی گمشده است، گمراه نکنند؛ در غیر این صورت وی اعتمادش را به دیگران از دست می‌دهد و بازی بی نتیجه می‌شود.

ج- رنگ آمیزی

چ- مناجات‌های خاتمه

